

کیفیت اجرای شلاق از منظر فقه امامیه

چکیده

شلاق به عنوان یکی از مجازات های مشخص شده در فقه، موارد زیادی از حدود و تعزیرات را به خود اختصاص می دهد. با توجه به سکوت قانون درباره جنس، عامل و کیفیت اجرای شلاق، مجریان ناگزیر به استفاده از نظرات فقهی هستند. این مباحث در فقه به صورت پراکنده و در برخی موارد نیز تنها در استفتائات آمده است. در جنس شلاق، دو نظر موجود است: چرم بودن و تفاوت نداشتن بین چرم و غیر چرم با این شرط که لبه دار و تیز نباشد. در عامل اجرای شلاق که نوعاً آن را به عهده حاکم یا نماینده او می دانند، تفصیلی در حدّ زنا وجود دارد که در صورت اثبات زنا با شهادت، شلاق می زنند و در غیر آن صورت، حاکم اجرای کند.

در نحوه اجرای شلاق نیز که بیش تر مباحث فقهی ذیل آن است، تفصیلات زیادی وجود دارد. پوشش مجرم، حالت نشسته یا ایستاده، شدت ضربه و نحوه توزیع ضربه بر بدن نیز از موارد اختلافی میان فقها است. در پژوهش حاضر نظرات و استفتائات فقها در این باره دسته بندی و جمع بندی شده است.

واژگان کلیدی

شلاق، جنس شلاق، مجری شلاق، اجرای احکام، پوشش مجرم.

امروزه مکاتب مختلف قضایی و جزایی به دنبال یافتن راه‌هایی برای متناسب‌سازی جرم و مجازات هستند. این منطق در قوانین کیفری اسلام نیز دیده می‌شود. این تناسب هم در نوع مجازات و هم در نحوه و شرایط اجرای آن است. شلاق از جمله مجازات‌هایی است که برای جرم‌هایی مانند شرب خمر و زنا در نظر گرفته شده است. در قوانین موضوعه، درباره جنس، کیفیت و عامل اجرای شلاق تقریباً بحثی وجود ندارد که وظیفه مجریان را به طور کامل و دقیق مشخص کند و این امر به آیین‌نامه‌ها واگذار شده است. آیین‌نامه‌ها نیز نیازمند استفاده از نظرات فقهی است که بنا بر نظر قانون‌گذار، در موارد سکوت قانون باید محل رجوع قرار بگیرند. در این موارد، مطالبی کاملاً پراکنده در فقه دیده می‌شود. در مواردی نیز، برخی از این مباحث در استفتائات فقها یافت می‌شود. تحقیقاتی نیز وجود ندارد که به نیاز این حوزه پرکاربرد از بخش اجرای احکام دستگاه قضا پاسخ داده باشد. بنا بر این، باید به این پرسش‌ها پاسخ‌های جامع و متقن داد: جنس شلاق چه باید باشد؛ چرم یا چوب یا مورد دیگر؟ شلاق چه خصوصیتی باید داشته باشد؟ مجری شلاق کیست؟ ضابط قضایی، قاضی اجرای احکام، شهود یا فرد دیگر؟ مجری احکام آن را در هر یک از حدود، تعزیرات و تأدیب باید چه گونه اجرا کند؟

باتوجه به کمبود پیشینه در این زمینه، سکوت قانون و پراکندگی و در برخی موارد فقدان مطلب در فقه، این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به سه عنوان اصلی جنس شلاق، ویژگی‌های مجری حکم و نحوه اجرای شلاق با پرسش‌های ضمیمه‌ای مانند: پوشش مجرم، حالت نشسته یا ایستاده، شدت ضربه وارده و توزیع ضربه بر بدن است.

۱. جنس شلاق

درباره جنس شلاق و ضرورت چرم بودن یا نبودن یا فرق نداشتن چرم و چوب در کتاب‌های فقهی بحثی نشده است، اما در استفتاء از مراجع دو نظر مطرح شده است: شلاق چرم و شلاق متعارف.

۱-۱) شلاق چرمی

بنا بر نظر آیات مکارم شیرازی و علوی گرگانی، چرم باید معمولی باشد یعنی خیلی ضخیم نباشد و درد بیش از توان ایجاد نکند. همچنین به نظر امام خمینی و آیت الله سبحانی، احتیاط بر این است

که جنس شلاق چرم باشد. (استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفاتر آیات مکام شیرازی، علوی گرگانی و سبحانی و نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: ۷۹۴۳ و ۷۹۴۴)

۲-۱) شلاق متعارف

بنابر نظریات عظام صافی گلپایگانی و گرامی، شلاق به نحو متعارف در خارج است و کافی است شلاق لبه دار و تیز نباشد و میان چرم و چوب و غیر آن فرقی نیست. (نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: ۷۹۴۴ و استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر آیت الله گرامی) البته با بررسی روایات چهار عنوان در خصوص جنس شلاق یافت می شود:

یک - سوط جمع آن اسواط، شارع سوط را تعریف نکرده است و وقتی شارع از موضوعی تعریف ندارد باید سراغ لغت برویم. معنای سوط در کتاب های لغت به شرح ذیل است: در برخی کتاب های لغت تفسیری خاصی ارائه نشده است و فقط «معروف» را ذکر کرده اند، یعنی آنچه که عرف به آن شلاق و تازیانه می گوید، همان مراد است. در برخی کتاب های لغت آمده سوط بخ معنای مخلوط شدن چیزی به چیزی و بهم بافته شده است. (اسماعیل بن عباد، المحيط ۸: ۳۵۱؛ جوهری، صحاح ۳: ۱۱۳۵؛ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة ۳: ۱۱۵)

سوط: شلاق که از پوست بافند اصل آن بمعنی آمیختن است و علت این تسمیه آنست که تارهای شلاق بهم آمیخته و مخلوط است (راغب) سوط بمعنی نصیب و شدت نیز آمده است. «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ». (قرشی، قاموس قرآن ۳: ۳۵۲)

دو - جلده (مصدر مره جلد): به تازیانه، مجلاد و مجلد می گفتند. اهل لغت جلده را به سوط تفسیر کرده اند. «[جَلَدًا]: جلده بالسوط جَلَدًا». (حمیری، شمس العلوم ۲: ۱۱۴۴)

سه - نسهه: به زمام شتر گفته می شود پوستی که به درازا بریده می شود، اما چون بلند بود، دوتا می شود مثلاً به جای ۸۰ ضربه ۴۰ ضربه زده می شود. «العین: التَّسْعُ: سبْرُ يَضْفَرُ كَهَيْئَةِ أَعْنَةِ الْبِغَالِ يَشُدُّ بِهِ الرَّحَالَ، المحيط: التَّسْعُ: سَبْرٌ يُضْفَرُ تُشَدُّ بِهِ الرِّحَالُ». (فراهیدی، العین ۳۳۸: ۱؛ اسماعیل بن عباد، المحيط ۱: ۳۶۷)

چهار- دره: چیزی است که به عنوان شلاق استفاده می شود، ولی از جنسش سخن گفته نشده است.

با توجه به سه عنوان قبلی ممکن است بگوییم احتیاط بر این است که جنس شلاق چرم باشد. این احتیاط بجاست؛ زیرا در آن سه عنوان به چرم تفسیر شده و تفسیر خلاف هم نشده است. البته ممکن است گفته شود چون جنس غالب آن زمان چرم بوده است؛ اهل لغت تعریف به مثال کرده‌اند و مفهوم را با مثال واضح کرده‌اند. در هر صورت این احتمالات سبب شده است فقها فتوای صریح ندهند و احتیاط بر چرم باشد. در لغت و روایت، سخنی درباره ضخامت، قطر و طول شلاق نیامده است. پس بر متعارف حمل می‌شود. و بعید است شلاق با قطر یک و نیم سانتی متر متعارف باشد. طول شلاق نیز هر چه بیش تر باشد، عقابش بیش تر است. پس حمل بر متعارف می‌شود. که بنظر در حدود یک متر، متعارف است. شلاق تازه درد بیش تری دارد. وقتی لغت می‌گوید تاییده شده، یعنی چرم خشک نیست و قابل انعطاف است. به همین دلیل، شلاق زدن با چوب داخل شلنگ قطعاً خلاف شرع است. (نشست علمی بررسی فقهی کیفیت اجرای شلاق، مرکز آموزش های تخصصی فقه قم)

۲. عامل اجرای شلاق

در قانون مطابق قاعده کلی، اجرای احکام قائم به شخص نیست. در قانون میان امور حقوقی و کیفری تفکیک قائل می‌شود یعنی اجرای احکام حقوقی به دست حاکم است، اما اجرای احکام کیفری به عهده دادستان است و دادستان به عنوان مدعی العموم، مجری تمام احکام کیفری اعم از قصاص و تعزیرات است. در قانون، مواردی که به عهده دادستان است، قائم به شخص دادستان نیست و می‌تواند آن‌ها را خودش انجام دهد یا به دادیار و معاونان یا به ضابطان واگذار کند. با توجه به نظرهای فقهی، شلاق زنده از نظر توان مندی باید شخصی متعارف باشد و مرد آن را اجرا کند. (همان) در کتاب‌های فقهی درباره این که چه کسی باید شلاق بزند، ذیل سه عنوان حدود و زنا به عنوان خاص و تعزیر بحث شده است.

۲-۱) عامل اجرای شلاق در حدود به عنوان کلی

فقه‌ها به صورت کلی گفته‌اند حاکم حدّ الهی را اجرا می‌کند. (محقق حلی، شرائع الاسلام ۴: ۱۴۵؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۴۹۱؛ محقق حلی، المختصر ۲: ۲۱۷؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ۹: ۱۴۰؛ نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۳۶۶ و امام خمینی، تحریر الوسیله ۲:

۴۶۸) به باور مرحوم آیه الله تبریزی، مقتضی اطلاق در واجب بودن اجرای حد به دست حاکم، اجرای حد به مباشرت یا تسبیب است. (اسس الحدود و التعزیرات ۱۵۸) و نیز از عبارات فقها استفاده نمی شود که فقط حاکم می تواند شلاق بزند.

۲-۲) عامل اجرای شلاق در حد زنا

عامل اجرای حدود در کتاب های فقها بیان شده است، ولی بعضی فقها عامل اجرای حد زنا را جداگانه ذکر کرده و برای زنا فرق قائل شده اند. اگر حد با شاهد ثابت شده باشد، شاهدان شلاق می زنند و گرنه امام اجرای شلاق را به عهده می گیرد.

ابن زهره حلبی، قطب الدین کیدری و علامه حلی در مختلف الشیعه می فرمایند که اگر سبب شلاق با علم امام یا مأذون ثابت شود، امام یا مأذون او شلاق را به عهده می گیرد و اگر سبب شلاق با بیینه ثابت شود، شاهدان شلاق را بر عهده می گیرند. (غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع ۴۲۴؛ إصباح الشیعه بمصباح الشریعة ۵۱۵ و مختلف الشیعه فی أحكام الشریعة ۹: ۱۸۷)

۳-۲) عامل اجرای شلاق در تعزیرات

در بحث تعزیر، تعبیر فقها به قاعده معروف «من فعل حراماً أو ترک واجباً فلإمام علیه السلام تعزیر» اشاره دارد و تعزیر به عهده امام و حاکم است. از عبارت «ید حاکم» استفاده می شود که شلاق بر عهده و نظارت حاکم است. (محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام ۴: ۱۵۵؛ علامه حلی، تلخیص المرام فی معرفة الأحكام ۳۲۳؛ علامه حلی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام ۳: ۵۴۸؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۲؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ۴۱: ۴۴۸ و امام خمینی، تحریر الوسیلة ۲: ۴۷۷)

آیات گرامی، گرگانی، سبحانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی گفته اند که قاضی یا کسی که قاضی معین می کند، شلاق را می زند. (استفتای مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفاتر مراجع)

۳. نحوه اجرای شلاق

چگونگی زدن شلاق در حدود مختلف و تعزیرات و رعایت عموماً در اجرای هر یک، اهمیت دارد. از جمله عموماً می کند در تمام موارد باید رعایت شود، این است که اگر ایستاده شلاق زده می شود، فرد

هنگام اجرای شلاق باید ثابت و بی حرکت باشد؛ زیرا ممکن است با حرکت مجرم، شلاق به مواضعی از بدنش برخورد که جایز نیست. بنابراین دلیل بستن مجرم، یک دلیل عقلی است و نیازی به دلیل شرعی نیست. اجرای مجازات در ملاء عام هم در صورتی است که مصالح اجتماعی اقتضا کند. پس عنوان ثانوی است و مجتهد جامع الشرایط می تواند به اجرای مجازات در ملاء عام حکم بدهد.

۳-۱) نحوه اجرای شلاق در حدود

کتاب های فقهی درباره چگونگی و شرایط اجرای شلاق زنا، شرب مسکر، قذف و مساحقه (در فرضی که زن بعد از نزدیکی با شوهر، با زنی دیگر مساحقه کند) سخن گفته اند، ولی درباره دیگر حدود مطالبی بیان نشده است. بنا بر استفتائاتی که به طور مطلق فتوا داده اند، به نظر آیت الله علوی گرگانی، مجرم در حد باید ایستاده باشد. بر اساس نظر آیت الله گلپایگانی، حد نباید با مهربانی و عاطفه اجرا شود و دستور آن با حاکم شرعی است که به تمام جنبه های اجرای حد باید به صورت شرعی عمل شود. (استفتای مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفاتر مراجع)

عمومات حدود در کتاب های فقهی چنین است: اگر حد و رجم جمع شد، ابتدا حد اجرا می شود. (محقق حلی، المختصر النافع: ۱/۲۱۶) اگر در زمان یا مکان شریف زنا کند، بیش تر مجازات می شود، به مقداری که حاکم صلاح ببیند. (علامه حلی، ارشاد: ۲/۱۷۳) در صورت نبودن بیان شرعی برای چگونگی و شرایط اجرای شلاق، فهم عرفی منظور است. می توان چنین ضابطه ای را در نظر گرفت که احساس درد متعارف نوعی است با توجه به ظرفیت جسمی که شلاق می خورد.

۳-۱-۱) نحوه اجرای شلاق در حد زنا

اگر زناکار غیر محصن باشد یعنی همسر ندارد یا به همسرش دسترسی نداشته باشد، صد ضربه شلاق بر او زده می شود. در نحوه اجرای شلاق حد زنا، شدت ضربه، پوشش، حالت مجرم، توزیع ضربات، موارد جواز تأخیر اجرای شلاق و حضور مؤمنان محل بحث است.

۳-۱-۱-۱) وضعیت پوشش و حالت مجرم در اجرای حد زنا و شدت ضربه

دو نظر فقهی در این زمینه وجود دارد. بر اساس نظر اول، مرد باید همان پوششی را داشته باشد که در زمان زنا داشته و زن هم بالباس باشد. گروهی دیگر معتقدند مرد باید عریان باشد و زن بالباس

شلاق بخورد. هم چنین فقها معتقدند بر مرد باید ایستاده و بر زن باید نشست، شلاق زد آن هم با ضربه محکم. بنا بر استفتای آیت الله سبحانی، در شلاق مرد زانی جایز است با لباس نازک باشد و زن باید پوشیده باشد و به نظر آیت الله علوی گرگانی تفاوتی وجود ندارد و شلاق در حد باید ایستاده باشد. (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۷۹۴۴)

از نظر شدت ضربه، شلاق در زنا با شدت زده می شود. به نظر مرحوم آیت الله اردبیلی، روایت های معتبر دلالت دارند که حدّ مرد با شدت زده می شود، اما چنین دلیلی برای این کار در حق زن نیست، گرچه در کلام بعضی اصحاب به صورت عمومی ذکر شده و اصل بر جایز نبودن شدت ضربه شلاق است تا وقتی که دلیلی بر آن دلالت ندارد. (فقه الحدود و التعزیرات ۱: ۶۲۴)

حالت اول: مرد بر حالتی که زنا کرده و زن با لباس

مرد زناکار از نظر پوشش باید بر حالتی باشد که زنا کرده است و شلاق بر او در حالت ایستاده و محکم زده می شود. زن در حالی که نشسته است و لباس به تن دارد، شلاق می خورد. (علامه حلی، تلخیص المرام فی معرفة الأحکام ۳۱۹؛ شیخ طوسی، النهایة ۷۰۰؛ ابن براج، المهذب ۲: ۵۲۷؛ ابن زهره، غنیة النزوع ۴۲۵؛ کیدری، إصباح الشیعة ۵۱۶؛ علامه حلی، مختلف الشیعة ۹: ۱۷۶؛ ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۵۲ و آیه الله موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات ۱: ۶۲۱)

درباره این که زن با لباس شلاق زده می شود، گفته اند تمام بدن زن عورت است. پس با لباس شلاق زده می شود تا عورتش آشکار نشود. (شیخ طوسی، النهایة ۷۰۰؛ ابن براج، المهذب ۲: ۵۲۷ و ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۵۲) روشن است کسی که عریان یافت شده است، تا زمان حد به همان صورت نمی ماند. شاید چند روز یا چند ماه تا زمان اجرای حد طول بکشد. پس عریان کردن مرد واجب است. البته این در صورتی است که زنا با شهود ثابت شود. اما اگر با اقرار ثابت شود، بدون لباس شلاق می زنند مگر این که گفته شود لازم می آید حالش از زنا بی که با شاهد ثابت شده است، بدتر باشد، اما مخیر بودن جمع تبرّعی است که هیچ شاهدی بر آن نیست و تخییر میان عقوبت شدید و غیر شدید بعید است. (آیه الله موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات ۱: ۶۲۲)

حالت دوّم: مرد عریان و زن با لباس

مرد زناکار بدون لباس شلاق می خورد و به صورت و سر و شرمگاه زده نمی شود و زن زناکار باید نشسته و با لباس شلاق بخورد. (محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۴۴؛ محقق حلی، المختصر النافع ۱: ۲۱۶؛ علامه حلی، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية ۵: ۳۱۹؛ علامه حلی، ارشاد ۲: ۱۷۳؛ علامه حلی، تبصره المتعلمين ۱۸۵؛ امام خمینی، تحریر الوسيلة ۲: ۴۶۶؛ معالم الدین ۲: ۴۹۰) شهید اول هم به این نظر معتقد است، اما درباره پوشش مرد نظر نداده است. (اللمعة الدمشقية ۲۵۵) صاحب جواهر می گوید روایت طلحه بن زید دلالت دارد بر این که در اجرای حدّ شلاق، مرد بر حالتی که یافت شده است، شلاق می خورد. اگر عریان یافت شد، عریان شلاق می خورد و اگر لباس داشت، با لباس شلاق می زنند. مؤید این نظر عبارت است از این که در حدود بنا بر تخفیف است. از این رو، با وجود شبهه، حدود رها می شود. عریان کردن به زمانی اختصاص دارد که بدون لباس دیده شده است. این نظر با روایت دیگر که لفظ (یجرّد) دارد، منافات ندارد؛ زیرا ممکن است عریان کردن در حال شلاق اراده شده باشد؛ چون در حال زنا عریان بود، گرچه در زمان ثبوت زنا لباس بر تن دارد.

در مقابل، بدن زن عورت است. پس عریان کردنش مانند عورت زن جایز نیست. روایت هم ظهور در مرد دارد. احتمال اراده جنس از زانی مجاز است و نیاز به قرینه دارد، در حالی که این جا قرینه ای وجود ندارد، بلکه قرینه بر خلافش است یعنی زن نباید عریان شود. زانی در حالت ایستاده شلاق می خورد که به استناد خبر زراه و برای این است که حد بر حالت رسوایی اجرامی شود و ایستادن کامل ترین وجه رسوایی است و به محکم ترین ضربات زده می شود. (نجفی، جواهر الکلام ۴: ۳۵۸)

۳-۱-۲ حضور جمعی از مؤمنان برای اجرای شلاق در حد زنا

حضور دیگران فقط مربوط به بحث زناست و نسبت به استحباب و وجوب آن و تعداد حاضران اختلاف است. برخی معتقدند لازم نیست حاضران عادل و ثقة باشند، بلکه زندانی ها هم می توانند شاهد باشند. (نشست علمی بررسی فقهی کیفیت اجرای شلاق، مرکز آموزش های تخصصی فقه قم) زمانی که حد بر زناکار واجب شود، حضور جمعی از مردم در زمان اجرای حد استحباب دارد. (شیخ طوسی، المبسوط ۸: ۵؛ طبرسی، المؤتلف ۲: ۳۹۲ و محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۴۴)

بعضی از فقها، حضور مؤمنان را واجب می دانند. (علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰ و شمس الدین حلی، معالم الدین ۲: ۴۹۰) برخی حضور یک نفر را هم کافی دانسته اند. (علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰؛ ابن براج، المهذب ۲: ۵۲۷؛ شیخ طوسی، النهاية ۷۰۰؛ شمس الدین حلی، معالم الدین ۲: ۴۹۰؛ نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۳۵۸ و محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۴۴) برخی دیگر، تعداد حاضران را مطابق احتیاط، سه نفر ذکر کرده اند. (ابن ادريس، السرائر ۳: ۴۵۲؛ امام خمینی، تحرير الوسيلة ۲: ۴۶۶) صاحب مؤلف تعداد حاضران را ده نفر گفته است. (طبرسی، المؤلف ۲: ۳۹۲)

۳-۱-۱-۳) توزیع ضربات شلاق بریدن زانی در حد زنا

حد زنا بر جمیع بدن زناکار به جز صورت و شرمگاه پخش می شود. (شیخ طوسی، الخلاف ۵: ۳۷۵ و المبسوط ۸: ۵؛ طبرسی، المؤلف ۲: ۳۹۲؛ علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰؛ شهید اول، اللمعة دمشقية ۲۵۵؛ نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۳۵۸؛ آية الله موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات ۱: ۶۳۲؛ محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۴۴؛ محقق حلی، المختصر النافع ۱: ۲۱۶ و علامه حلی، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية ۵: ۳۱۹)

۳-۱-۱-۴) تأخیر در اجرای شلاق حد زنا

حدّ زانیه اگر حامله باشد، تا زمانی که از نفاس خارج شود و بچه از شیر خوردن بی نیاز شود، در صورتی که شیردهنده دیگری یافت نشود، به تأخیر می افتد. اگر شیردهنده دیگری یافت شود، بعد از خارج شدن از نفاس شلاق می خورد. حد مریض و مستحاضه تا زمانی که بهبود یابد، به تأخیر می افتد مگر این که مصلحت در به تأخیر نیافتادن شلاق باشد. در این صورت، با چوب نازک یا خوشه خرما یا جایگزین آن زده می شود. حد در گرما و سرمای شدید اجرا نمی شود. شلاق حائض به تأخیر نمی افتد. حد با عارض شدن جنون ساقط نمی شود. هم چنین بر کسی که به حرم (حرم خدا و رسول خدا و ائمه علیهم السلام) پناه ببرد، حد جاری نمی شود. البته در خوردنی و نوشیدنی بر او سخت گرفته می شود تا از حرم خارج شود و حد بر او اقامه گردد. اگر در حرم سبب حد را انجام داد، در حرم بر او حد جاری می شود و حد در زمین دشمن جاری نمی شود تا از روی خشم به دشمنان دین ملحق نشود. (علامه حلی، تلخیص المرام ۳۱۹؛ علامه حلی، المختصر النافع ۱: ۲۱۶؛ شیخ طوسی، المبسوط ۸:

۵؛ علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰؛ ابن براج، المهذب ۲: ۵۲۸؛ شیخ طوسی، النهاية ۷۰۰؛ ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۵۴؛ علامه حلی، ارشاد ۲: ۱۷۳ و شمس الدین حلی، معالم الدین ۲: ۴۹۰؛ علامه، کفالت راهم برای طفل شرط می‌داند و معتقد است اجرای شلاق زن حامله تا زمان وضع حمل و شیر دادن در صورتی که طفل کفیل نداشته باشد، به تأخیر می‌افتد. (ارشاد ۲: ۱۷۳)

در کتاب تحریر، قیودی اضافه شده است به این صورت که زن حامله تا زمانی که وضع حمل نکند و بچه از شیر بی‌نیاز نشود، اگر شیردهنده دیگری یافت نشود، شلاق نمی‌خورد؛ فرقی ندارد بچه از زنا یا غیر زنا باشد. اگر حمل ظاهر نشد و زن ادعای حمل نکرد، شلاق به تأخیر نمی‌افتد. به امکان حامله بودن اعتباری نیست، ولی اگر ادعا کند حامله است، ادعایش قبول می‌شود.

شلاق زن حیض به تأخیر نمی‌افتد؛ زیرا حیض بیماری نیست. با عارض شدن ارتداد، اجرای حد ساقط نمی‌شود. (علامه حلی، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية ۵: ۳۲۳) اگر بر مرد عاقل حد واجب شود و سپس دیوانه شود و زنا با شاهد ثابت شده باشد، حد در هر حال بر او جاری می‌شود. (شیخ طوسی، النهاية ۷۰۰ و ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۵۲)

در کتاب قواعد، وضعیت مریض تفصیل داده شده است. در آن بیماری که به بهبودی شخص امید باشد، مثل مرض خفیف و سردرد، بعد از خوب شدن حد جاری می‌شود. در آن بیماری که به بهبودی فرد امیدی نیست، مثل سل، به کناره‌های لباسش شلاق زده می‌شود. (شیخ طوسی، المبسوط ۸: ۵) اگر شلاق سبک را تحمل کند، از دسته چوب نازک بهتر است و زمانی که خوب شد، حد اعاده نمی‌شود. (علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰) اگر مصلحت بر اجرای سریع حد مریض باشد، با دسته‌ای از چوب نازک مرکب از صد عدد چوب، شلاق زده می‌شود. (شهید اول، اللمعة ۲۵۵ و علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۳۰)

۳-۱-۲) نحوه اجرای شلاق در حد شرب مسکر

در نوشیدن مسکرات، هشتاد ضربه شلاق زده می‌شود. البته در این اختلاف نظر هست که فقط به پشت و دو کتفش زده شود یا به همه بدنش. همچنین در این مسأله که زن نیز باید مثل مرد عریان باشد یا بالباس، اختلاف است. از دیگر موارد اختلافی، اجرای حد در زمان مستی و نیز حالت ایستاده یا نشسته شارب خمراست.

۱-۲-۱۳) موضع وارد کردن شلاق در اجرای حد شرب مسکر

بر پشت و کتف کسی که مسکر نوشیده است، شلاق زده می‌شود. (راوندی، فقه القرآن ۲: ۳۷۹؛ شیخ طوسی، النهاية ۷۱۲؛ ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۷۶؛ ابن زهره، غنیه النزوع ۴: ۴۲۹؛ کیدری، إصباح الشیعة ۵۲۲؛ محقق حلی، المختصر ۱: ۲۲۲؛ محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۵۷؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۵؛ علامه حلی، قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱؛ إرشاد ۲: ۱۸۰ و تبصرة المتعلمین ۱۸۸ و تلخیص المرام ۳۲۲) در هر حال، بر صورت و شرمگاهش شلاق زده نمی‌شود. (شیخ طوسی، النهاية ۷۱۲؛ ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۷۶؛ محقق حلی، المختصر ۱: ۲۲۲؛ محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۵۷؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۵؛ علامه حلی، قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱؛ نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰ و علامه حلی، تحریر الأحکام الشریعة علی مذهب الإمامیة ۵: ۳۴۹)

۱-۲-۱۳) اجرا نشدن شلاق در حالت مستی برای حد شرب مسکر

حد شرب مسکر زده نمی‌شود تا هوشیار شود. (محقق حلی، المختصر ۱: ۲۲۲ و شرائع الإسلام ۴: ۱۵۷؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۵؛ علامه حلی، إرشاد ۲: ۱۸۰؛ علامه حلی، تبصرة المتعلمین ۱۸۸ و قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱ و تلخیص المرام ۳۲۲؛ امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۸۰ و نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰)

۱-۲-۳) پوشش و حالت مجرم زمان اجرای حد مسکر

کسی که شرب مسکر کرده است، باید عریان شلاق بخورد. (راوندی، فقه القرآن ۲: ۳۷۹؛ شیخ طوسی، النهاية ۷۱۲؛ ابن ادریس، السرائر ۳: ۴۷۶؛ ابن زهره، غنیه النزوع ۴: ۴۲۹؛ کیدری، إصباح الشیعة ۵۲۲؛ محقق حلی، المختصر ۱: ۲۲۲ و شرائع الإسلام ۴: ۱۵۷؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۵؛ علامه حلی، قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱؛ إرشاد ۲: ۱۸۰ و تبصرة المتعلمین ۱۸۸ و تلخیص المرام ۳۲۲ و شهید اول، اللمعة ۲۶۰) برخی فقها گفته‌اند زن از روی لباس شلاق می‌خورد. (ابن زهره، غنیه النزوع ۴: ۴۲۹؛ کیدری، إصباح الشیعة ۵۲۲؛ نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰ و امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۸۰) مرد در حالی که ایستاده است و لباس به تن ندارد، به جز از عورت شلاق می‌خورد و بر

زن در حالی که نشسته است و لباس به تن دارد، شلاق می‌زنند. (امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۸۰ و علامه حلی، تحریر الأحکام الشریعة علی مذهب الإمامیة ۵: ۳۴۹) زن در حالی که نشسته است و لباس به تن دارد، حد زده می‌شود. (نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰)

۳-۱-۲ (۴) توزیع شلاق بر تمام بدن در اجرای حد شرب مسکر

بر پشت و کتف‌های شارب مسکر شلاق زده می‌شود و بر صورت و شرمگاه و مواضع حساس بدنش زده نمی‌شود. سزاوار است که شلاق بر دیگر بخش‌های بدنش پخش شود تا عضوی که مشروب در آن جریان پیدا کرده است، مزه عقوبت را بچشد. از حضرت علی (ع) روایت شده است که به جلد گفت: «حق هر عضو را بده». (نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰) بر پشت، کتف‌ها و دیگر اعضای بدن کسی که شرب مسکر کرده است، شلاق زده می‌شود، ولی به صورت، سر و شرمگاهش زده نمی‌شود. (امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۸۰؛ شهید اول، اللعة ۲۶۰ و علامه حلی، قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱) بیش‌تر در جاهای گوشت‌دار مثل باسن و ران‌ها شلاق زده می‌شود و بر بدن شارب مسکر کشیده نمی‌شود. (علامه حلی، تحریر الأحکام الشریعة علی مذهب الإمامیة ۵: ۳۴۹)

۳-۱-۲ (۵) اجرای حد شرب مسکر بر کافر، مجنون و مرتد

به نظر ابن براج، حد شرب مسکر هشتاد ضربه شلاق است و فرقی میان حرّ و عبد و مسلمان و کافر نیست جز این‌که بر مسلمان در حالتی که شرب خمر کرده است، حد اجرا می‌شود و بر کافر حد زده نمی‌شود مگر آن‌که شرب مسکرش را آشکار کند یا میان مسلمانان با مستی وارد شود. پس اگر مخفی کرد، حد زده نمی‌شود و اگر کسی که شرب مسکر کرده است، مست باشد، حد بر او اجرا نمی‌شود تا هوشیار شود. سپس حد بر او اقامه می‌شود. (المهذب ۲: ۵۳۵) حد شرب مسکر با جنون و ارتداد ساقط نمی‌شود. (علامه حلی، قواعد الأحکام ۳: ۵۵۱ و تلخیص المرام ۳۲۲؛ امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۸۰ و نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۶۰)

۳-۱-۳ نحوه اجرای شلاق حد قذف

در نحوه اجرای شلاق کسی که تهمت فحشا زده است، اختلافی نیست و با ضربه‌ای متوسط و بالباس شلاق زده می‌شود.

۳-۱-۱) تخفیف ضربه شلاق در اجرای حد قذف نسبت به شرب خمر و زنا

شلاق در حد قذف نسبت به شلاق در حد شرب مسکرو حد زنا با شدت کم تری اجرا می شود. هم چنین از روی لباس شلاق زده می شود و عریان نمی شود. (کیدری، إصباح الشیعة ۵۳۱: ۵۳۱؛ راوندی، فقه القرآن ۲: ۳۸۹؛ محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۵۴ و المختصر ۱: ۲۲۱؛ علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۴۷؛ و إرشاد ۲: ۱۷۸؛ شهید اول، اللمعة ۲۵۹؛ شمس الدین حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۱؛ نجفی، جواهر الکلام ۳: ۴۲۹ و امام خمینی، تحریر الوسیلة ۲: ۴۷۶)

۳-۱-۲) تأخیر در اجرای حد قذف در مورد مجنون

به نظر علامه حلی در قواعد، اگر قذف کننده هنگام قذف، دیوانه باشد، بعد از خوب شدن تعزیر می شود. (قواعد الأحكام ۳: ۵۴۹)

۳-۱-۴) نحوه اجرای حد مساحقه

در کتاب های فقها در اجرای شلاق مساحقه در صورتی که زنی پس از مجامعت با همسر خود با زنی دیگر مساحقه کند، فقط در این باره که شلاق بعد از وضع حمل دختر اجرا می شود، سخن گفته شده است. اگر مردی همسرش را وطی کرد و بعد از آن، همسرش با دختری باکره مساحقه کند و منی مرد را در رحم باکره بریزد و آن دختر حامله شود، برزوجه، رجم و برآن دختر بعد از وضع حمل شلاق واجب می شود. (شیخ طوسی، النهایة ۷۰۷: ۷۰۷؛ ابن بزاج، المهدب ۲: ۵۳۲؛ علامه حلی، تلخیص المرام ۳۲۲ و قواعد الأحكام ۳: ۵۳۸) آیات عظام مکارم شیرازی و فاضل لنکرانی در استفتائات خود درباره نحوه اجرای شلاق گفته اند مانند حد زنا اجرامی شود و آیات عظام صافی گلپایگانی و نوری همدانی می گویند به صورت متعارف اجرامی شود. به نظر مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی، اگر با لباس دستگیر شده اند، با لباس معمولی و ضرب متوسط حد جاری می شود. (نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: ۱۶۰)

۳-۱-۵) نحوه اجرای شلاق در حد تفخیز

کیفیت اجرای مجازات شلاق در حد تفخیز در کتاب های فقها بیان نشده است، اما در استفتا از مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، حد تفخیز در عدد مانند زناست، ولی در کیفیت ملحق به آن نیست. به نظر آیت الله صافی گلپایگانی، اجرای حد تفخیز باید از روی لباس باشد، ولی به نظر مرحوم

آیت‌الله موسوی اردبیلی، اگر با لباس دستگیر شده است، با لباس معمولی و ضرب متوسط حد جاری می‌شود. به نظر مرحوم آیت‌الله بهجت، اجرای حد خالی از تأمل نیست. (نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: ۱۶۱)

۳-۱-۶) نحوه اجرای شلاق در موارد نامعین

در روایت موثقه زرازه از ابی‌جعفر (ع) گفته شده است که بر مرد، ایستاده حد زده می‌شود و زن، نشسته. ضربات باید بر تمام بدن به جز سرو عورت‌ها پخش شود. (کلینی، کافی ۷: ۱۸۳) در باب زنا به این روایت تمسک می‌کنند، ولی در روایت، قرینه‌ای بر اختصاص به زنا نیست. اگر اطلاق روایت پذیرفته شود، در مواردی که خلأ وجود دارد، مثل لواط و مساحقه و تفخیز، مطابق این روایت عمل می‌شود. اگر قائل شویم که اطلاق ندارد، مثلاً کلمه «الحد»، انصراف به زنا دارد که البته - مستبعد است و با این وجود بسیاری از روایات ما از اطلاق می‌افتد - در این صورت، اصلی نیست که در موارد خلأ به آن تمسک کنیم. پس هر جا دلیل خاصی نبود، قائل به تخیر می‌شویم.

منظور از ضربه متوسط در تمام مواردی که ذکر شد، ضربه‌ای است که صدمه دارد، ولی اقل و اکثر دارد. پس بر ضربه‌ای که احساس درد در آن کم باشد، عذاب و الم صدق نمی‌کند. در جایی که دلیل خاص داریم، مثل زنا عمل می‌شود. در غیر این صورت، با ضربه متوسط زده می‌شود. بنا بر این، از نظر شدت و ضعف و طول شلاق باید رعایت شود و قاضی باید معین کند به ویژه در تعزیر که شلاق را از وسط بگیرد و متوسط بزند. هم‌چنین طبق روایت به سن باید توجه شود. در مورد پوشش در مواردی که شک داریم، احتیاط می‌کنیم و با لباس شلاق زده می‌شود. (نشست علمی بررسی فقهی کیفیت اجرای شلاق، مرکز آموزش‌های تخصصی فقه قم)

۳-۲) نحوه اجرای شلاق در تعزیرات

در نحوه اجرای شلاق در تعزیرات به غیر از نقل قول مرحوم قطب‌راوندی که در ادامه خواهد آمد عمدتاً به قاعده «من فعل حراماً أو ترک واجباً فللام تعزیر» استناد شده که طبق آن نحوه اجرا طبق صلاح‌دید امام است. البته از نگاه استفتائات، به نظر آیت‌الله علوی گرگانی باید مجرم را بخوابانند. از نگاه آیت‌الله گرامی، در جرایم مختلف باید مطابق نظر حاکم عمل شود. آیت‌الله صافی گلپایگانی

معتقد است که باید در هوای مناسب اجرا شود و از نظر اجرای آن در ملاء عام مطابق نظر حاکم عمل می‌شود. از نظر ایستاده و نشسته بودن هم فرقی نمی‌بیند. اجرای شلاق اگر متوقف بر بستن مجرم است، باید او را بست و مقید به زمان خاصی نیست. هم‌چنین به هر قسمت از بدن به جز موارد استثنای جاز است شلاق زد. (استفتاء مرکز آموزش‌های تخصصی فقه از دفاتر مراجع و نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: ۷۹۴۴)

ملاک در تعزیر بازدارندگی است و با ضربه محکم زده نمی‌شود، بلکه با ضربه متوسط یا خفیف زده می‌شود که انتخابش با حاکم است. هم‌چنین با توجه به ملاک می‌تواند به جزای نقدی تبدیل کند یا شلاق متعین باشد. (نشست علمی بررسی فقهی کیفیت اجرای شلاق، مرکز آموزش‌های تخصصی فقه قم)

۳-۲-۱) تشدید اجرای شلاق در تعزیرات

به باور قطب‌الدین راوندی، از نظر فقها، محکم‌ترین ضربه در تعزیرات است، سپس ضربه زنا و شرب خمر و قذف. (فقه القرآن ۲: ۳۹۱) به نظر می‌رسد منظور راوندی، فقهای عامه باشند؛ چون خلاف نص رسیده از معصوم است. (عاملی، وسائل ۲۸: ۱۹۸)

۳-۲-۲) نحوه اجرای شلاق تعزیری در اعمال حرام

هر کس حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند، تعزیر آن شخص به مقداری که به حد نرسد، بر عهده امام است که مقدارش را نیز امام تعیین می‌کند. تعزیر شخص آزاد به حدّ حر و تعزیر عبد به حدّ عبد نمی‌رسد. (محقق حلی، شرائع الإسلام ۴: ۱۵۵؛ شهید اول، اللمعة ۲۵۹؛ شمس‌الدین حلی، معالم‌الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۲ و علامه حلی، قواعد الأحكام ۳: ۵۴۸ و تلخیص المرام ۳۲۳) ابن براج معتقد است زمانی که انسان دیگری را به فساد نسبت دهد، بر آن شخص به کم‌تر از حد قذف، تعزیر واجب است تا دیگر مسلمانان را اذیت نکند. (المهذب ۲: ۵۳۴)

برخی فقها اجرای شلاق تعزیری را در گناهان کبیره بیان کرده‌اند یعنی هر کس واجبی را ترک کند یا حرامی را مرتکب شود، بر عهده امام یا نایبش، تعزیر آن شخص است به شرط این‌که از گناهان کبیره باشد. مقدار تعزیر کم‌تر از حد است و به نظر حاکم بستگی دارد. در جایی که بر مقدار تعزیر دلالت ندارد، احتیاط و تجاوز نکردن از کم‌ترین حد مناسب است. (امام خمینی، تحریر الوسیلة ۲: ۴۷۷ و نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۴۴۸)

۳-۳ تأدیب

محقق حلی، علامه حلی، شمس الدین حلی، صاحب جواهر و امام خمینی می‌گویند در ادب کردن هم شلاق زده می‌شود، ولی بیش تر از ده ضربه نیست. (المختصر: ۱: ۲۲۱؛ تلخیص المرام ۳۲۳؛ قواعد ۲: ۵۴۸؛ معالم الدین فی فقه آل یاسین ۲: ۵۰۲؛ جواهر الکلام ۴۱: ۴۴۴؛ تحریر الوسیله ۲: ۴۷۷)

همچنین باید دانست که مراد از تأدیب صبی، تأدیب در امور متعارف است و ارتکاب محرمات مثل زنا و لواط را شامل نمی‌شود که به دلیل اطلاق ادله مقدار تعزیر و مختص نبودن تعزیر به غیر از صبی است. در تأدیب صبی، بیش تر از ده ضربه شلاق کراهت دارد، ولی ظاهر بر این است که تأدیب صبی به نظر ادب‌کننده و ولی است. چه بسا مصلحت، کم‌تر یا بیش تر از ده ضربه شلاق را اقتضا کند، ولی از مقدار تعزیر نباید تجاوز کند، بلکه احتیاط بر این است که مقدارش کم‌تر از تعزیر است و باید به شش یا پنج ضربه اکتفا کرد. (آیت‌الله فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود ۴: ۴۲۴) با فرض عارض شدن فساد و به وجود آمدن فتنه با ترک تأدیب و تعزیر صبی، در وجوب این دو اشکالی نیست، اما اختلاف روایت‌ها در بیان مراتب تأدیب و تعزیر است و این اختلاف‌ها بر اختلاف مراتب زمان و محل ارتکاب و شنیع بودن فعلی حرام حمل می‌شود که مرتکب شده است. (آیت‌الله سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله - احکام العسر ۳: ۲۷۳)

تأدیب صبی در مفاسدی که دوری از آن‌ها با قدرت، واجب است، از باب نهی از منکر با شروط آن واجب و در غیر آن‌ها جایز است. در مراتب زدن و اصل آن، بین حرمت و کراهت و رجحان، با توجه به خصوصیات عمل و عامل، با رعایت صلاح و فساد عامل (اگرچه مخالفت او امر و نواهی اولیا باشد، در امور عقلاییه مشروعه)، نه ضارب و مشتبهات و مکروهات نفسانیه او فرق می‌کند. (آیت‌الله بهجت، جامع المسائل ۵: ۳۰۴)

حاصل سخن این‌که اطلاق روایات تأدیب، بلکه صریح برخی از آن روایات، بر مشروعیت تنبیه بدنی در موارد ضروری دلالت دارد. از روایات گروه‌های سه‌گانه استفاده می‌شود که مقتضای احتیاط آن است که از سه ضربه شلاق شروع شود و بیش از ده ضربه نزنند. ممکن است گفته شود این اعداد در روایات خصوصیت ندارند، بلکه همه آن‌ها مصداق‌هایی برای تأدیب است. بنا بر این، ملاک و

معیار، نظرولیّ یا حاکم شرع یا معلّم است که مقدار آن را مطابق مصلحت معین می‌کند، همان‌گونه که در روایت اسحاق بن عمّار گذشت. در نتیجه، این روایات و روایات مشابه دیگر از نظر میزان تأدیب مطلق است و نشان می‌دهد که تأدیب حدّ خاصی ندارد.

ولیّ طفل، معلّم و حاکم شرع حق تأدیب افراد نابالغ را دارند و والی و حاکم شرع حق تأدیب طفل را هنگام ارتکاب منکرات دارد؛ چون مخاطب ادلّه حدود و تعزیرات است و اجرای حدود و تعزیرات در درجه اول بر دوش حاکم شرع است. البته چنین حقیّی برای حاکم شرع برای انجام مسائل تربیتی و آداب وجود ندارد. در نتیجه، محدوده اختیار حاکم در اجرای تأدیب فقط در صورت ارتکاب منکرات است. ولیّ طفل (پدر و پدربزرگ پدری) حقّ تأدیب نابالغ را در هر دو صورت دارد؛ هم برای جلوگیری از منکرات و وادار کردن به انجام واجبات و هم در مقام تعلیم و تربیت. (آیت‌الله مکارم شیرازی، تعزیر و گستره آن ۱۵۰)

نتیجه

۱. به نظر برخی، شلاق باید از جنس چرم باشد و به نظر عده‌ای دیگر، فرقی میان چرم و چوب و جز آن نیست. فقط معیار این است که لبه دار و تیز نباشد.
۲. نظرات متفاوتی درباره عامل اجرای شلاق در حدود و تعزیرات وجود دارد. برخی از فقها در باب حدود، حاکم را مجری تمام حدود می‌دانند، اما در مقابل، برخی دیگر بین زنا و دیگر حدود فرق می‌گذارند. هم چنین فقها در باب تعزیرات، اجرای شلاق را وظیفه حاکم یا نماینده او دانسته‌اند.
۳. در نحوه اجرای شلاق در حدود، تعزیرات و تأدیب احکام متفاوتی وجود دارد. در حد زنا معتقدند که شلاق باید محکم بر تمام بدن مجرم توزیع شود. مرد بدون لباس و ایستاده، زن بالباس و نشسته باشد. حد مریض و مستحاضه و حامله تا پایان این موانع به تأخیر می‌افتد؛ جز در حد شلاق مریض و مستحاضه که در صورت وجود مصلحت در اجرای شلاق به تأخیر نمی‌افتد. در حد شرب مسکر از نظر محل اصابت شلاق یعنی تمام بدن یا پشت و دو کتف و هم چنین وضعیت پوشش و ایستاده و نشسته بودن زن اختلاف وجود دارد. حد قذف با ضربه‌ای متوسط و همراه بالباس زده می‌شود. حد مساحقه در فرضی که زن پس از مجامعت با همسر خود، با زنی دیگر مساحقه کند و او

باردار شود، حد بعد از وضع حمل اجرا می‌شود. برخی فقها معتقدند مانند حد زنا اجرا می‌شود و برخی دیگر معتقدند به صورت متعارف اجرا می‌شود.

برخی معتقدند حد تفخیز در عدد مانند زناست، ولی در کیفیت ملحق به آن نیست. به نظر برخی فقها اجرای حد تفخیز باید از روی لباس باشد، ولی به نظر برخی دیگر از فقها اگر با لباس دستگیر شود، حد با لباس معمولی و ضرب متوسط جاری می‌شود. در حدودی مثل لواط که بیان مستقل و صریح وجود ندارد، باید به قاعده عمومی عمل شود یعنی مرد ایستاده و زن نشسته باشد و ضربات بر تمام بدن به جز سر و عورت توزیع شود.

در تعزیرات مطابق فتوای برخی از فقها، مجرم در حالت خوابیده متحمل تعزیر می‌شود. برخی دیگر معتقدند در جرایم مختلف مطابق نظر حاکم عمل می‌شود. به نظر برخی از فقها باید در هوایی مناسب اجرا شود. اجرای آن در ملأ عام به نظر حاکم بستگی دارد و ایستاده و نشسته بودن فرقی ندارد. اگر اجرای شلاق متوقف بر بستن مجرم است، باید او را بست و مقید به زمان خاصی نیست و به هر قسمت از بدن جز موارد استثنای شده جایز است شلاق زد.

۴. در ادب کردن هم شلاق زده می‌شود و گفته‌اند بیش‌تر از ده ضربه زده نشود. در نهایت، ملاک نحوه اجرای شلاق در باب تأدیب، مصلحت طفل است.

فهرست منابع

- ۱- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز. المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۳- ابن زهره حلبی، حمزة بن علی. غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ ۱، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۴- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا. معجم مقائیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۵- استفتای کتبی مرکز آموزش های تخصصی فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی سبحانی.
- ۶- استفتای کتبی مرکز آموزش های تخصصی فقه از محضر آیت الله العظمی علوی گرگانی.
- ۷- استفتای کتبی مرکز آموزش های تخصصی فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی گرامی.
- ۸- استفتای کتبی مرکز آموزش های تخصصی فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- ۹- بهجت فومنی، محمد تقی. جامع المسائل. قم: دفتر معظم له، چاپ ۲، ۱۴۲۶ ه. ق.
- ۱۰- تبریزی، جواد بن علی. اسس الحدود والتعزیرات. قم: نشر دفتر مؤلف، چاپ ۱، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملأین، چاپ ۱، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۱۲- حرّ عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ ۱، ۱۴۰۹ ه. ق.
- ۱۳- حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن. معالم الدین فی فقه آل یاسین. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ ۱، ۱۴۲۴ ه. ق.
- ۱۴- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۱۵- سیفی مازندرانی، علی اکبر. دلیل تحریر الوسيلة - أحكام الأسرة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱، ۱۴۲۹ ه. ق.

- ۱۶- شهید اول، محمد بن مکی. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بيروت: دار التراث -
الدار الإسلامية، چاپ ۱، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۱۷- صاحب، اسماعیل بن عباد. المحيط في اللغة. بيروت: عالم الكتب، چاپ ۱، ۱۴۱۴ ه. ش.
- ۱۸- طبرسی، امین الاسلام، فضل بن حسن. المؤتلف من المختلف بين ائمه السلف.
مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه، چاپ ۱، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۱۹- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۰۷ ه. ق.
- ۲۰- _____ . المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة
المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ ۳، ۱۳۸۷ ه. ق.
- ۲۱- _____ . النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار
الكتاب العربي، چاپ ۲، ۱۴۰۰ ه. ق.
- ۲۲- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر
انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲۳- _____ . تبصرة المتعلمين في أحكام الدين. تهران:
مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱، ۱۴۱۱ ه. ق.
- ۲۴- _____ . تحرير الأحكام الشرعية على مذهب
الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ ۱، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۲۵- _____ . تلخيص المرام في معرفة الأحكام. قم:
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ه. ق.
- ۲۶- _____ . قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام.
قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۲۷- _____ . مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. قم:
دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۲۸- فاضل لنکرانی، محمد. تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحدود. قم: مركز
فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، چاپ ۱، ۱۴۲۲ ه. ق.
- ۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد. العين. قم: هجرت، چاپ ۲، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۳۰- قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۶، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۳۱- قطب الدین راوندی. سعید بن عبدالله. فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله

- مرعشی نجفی، چاپ ۲، ۱۴۰۵ هـ. ق.
- ۳۲- قطب‌الدین کیدری، محمد بن حسین. إصباح الشيعة بمصباح الشريعة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ ۱، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- ۳۳- قَمِّي، صدوق، محمد بن علی بن بابویه. من لا يحضره الفقيه. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم-ایران، چاپ ۲، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۳۴- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۴۰۷ هـ. ق.
- ۳۵- گنجینه استفتائات قضایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا.
- ۳۶- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. المختصر النافع في فقه الإمامية. قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ۶، ۱۴۱۸ هـ. ق.
- ۳۷- _____ . شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ ۲، ۱۴۰۸ هـ. ق.
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر. تعزیر و گستره آن. قم: انتشارات مدرسه الإمام علي بن أبي طالب، چاپ ۱، ۱۴۲۵ هـ. ق.
- ۳۹- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. فقه الحدود والتعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ ۲، ۱۴۲۷ هـ. ق.
- ۴۰- موسوی خمینی، سید روح‌الله. تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ ۱، بی تا.
- ۴۱- نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ ۷، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- ۴۲- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی.